



امارت چگونه با جزایر مصنوعی مرزهای دریایی را جابجا می‌کند

در کنار مشکلات خاص زیست محیطی که سبب مخالفت های کشورهای منطقه و به خصوص ایران با جزایر اماراتی می شود، این طرح پیامدهای خاصی نیز از لحاظ سیاسی و ژئوپلیتیک در منطقه دارد، که مهمترین مسئله بر سر تعیین مرزهای دریایی بین ایران و امارات است.

در کنار مشکلات خاص زیست محیطی که سبب مخالفت های کشورهای منطقه و به خصوص ایران با جزایر اماراتی می شود، این طرح پیامدهای خاصی نیز از لحاظ سیاسی و ژئوپلیتیک در منطقه دارد، که مهمترین مسئله بر سر تعیین مرزهای دریایی بین ایران و امارات است.

به گزارش خبرگزاری فارس، در کنار مشکلات خاص زیست محیطی که سبب مخالفت های کشورهای منطقه و به خصوص ایران با جزایر اماراتی می شود، این طرح پیامدهای خاصی نیز از لحاظ سیاسی و ژئوپلیتیک در منطقه دارد، که مهمترین مسئله بر سر تعیین مرزهای دریایی بین ایران و امارات است.

*پیش روی در خشکی هدف اصلی جزایر امارتی

اگر برنامه های امارات را در ده سال آینده تعقیب کنیم، متوجه تغییرات عمیق در ساختار سواحل دبی که درست در نقطه مقابل ابوموسی است، می شویم.

در حقیقت تا 10 سال آینده تمامی نوار کم عمق ساحلی دبی یا جزایر مصنوعی تبدیل به محیط تقریباً خشکی می شود و در نتیجه بخش های دورتر از ساحل نیز کم عمق شده و مورفولوژی خلیج فارس تغییر می کند.

در کنار این که ساخت این جزایر سبب می شود، جریان های دریایی کنونی در خلاف جهت عقربه های ساعت در خلیج فارس که از سمت غرب به شرق هستند و سبب تبادل آب و رسوبات خلیج فارس و دریای عمان می شود، دچار اختلال شود، قدرت چانه زنی امارات را در تعیین مرزهای دریایی بالا می برد.

در حقیقت با توجه به این که مرزهای دریایی بین ایران و امارات هنوز تعیین نشده است، اقدامات شیخ نشین دبی در تغییر مختصات جزایر به نوعی در راستای بالا بردن سهم این کشور عربی است. برای درک علاقه امارات به هزینه کردن چنین مبلغی باید نگاهی به حساس ترین منطقه خلیج فارس که در انحصار ایران قرار دارد، بیندازیم.

*مهم ترین منطقه خلیج فارس در انحصار ایران قرار دارد

جزایر تنب و ابوموسی از نظر کشاورزی و معادن و وجود ذخایر نفت در خشکی، فاقد ارزش هستند. البته از اهمیت جزیره ابوموسی از نظر حقوق مربوط به حفاری در آب های بیرون ساحلی نیز نمی توان چشم پوشی کرد؛ اما جزایر تنب بزرگ و کوچک از این نظر هم فاقد ارزش اند بنابراین سؤالی که پیش می آید این است که با توجه به ارزیابی فوق این جزایر از چه نظر دارای ارزش هستند که منجر به ادعاهای امارات درباره تعلق و حاکمیت بر آنها شده است؟ جواب صرفاً این می تواند باشد که ارزش جزایر تنب و ابوموسی صرفاً به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و نقش ژئواستراتژیکی آنهاست.

*عبور بخش عمده نفت دنیا از آب های ایران

جزایر ابوموسی و تنب تقریباً در وسط آب های خلیج فارس و در عمیق ترین قسمت های این خلیج واقع شده اند واز آن جا که صادرات نفت و 80% تجارت خارجی ایران از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز صورت می گیرد، بنابراین نقش این جزایر در تجارت خارجی ایران و حفظ منافع ملی کشور حائز اهمیت است.

بخش عمده ای از نفت خام مورد نیاز جهان از میان این جزایر عبور می کند و طبق اصول و مقررات مربوط به کشتیرانی بین المللی نظارت بر کلیه عبور و مرورهای کشتی ها بر عهده دولت ایران است و از آن جا که طبق قوانین حدود آب های ساحلی دریای سرزمینی بخشی از سرزمین اصلی محسوب می شود و این جزایر نیز بخشی از سرزمین اصلی ایران محسوب می شوند که در آب ادامه یافته، لذا کلیه کشتی ها موظف به رعایت قوانین و مقررات مربوط به دولت ایران هستند.

*قوس دفاعی ایران در خلیج فارس

از نظر ژئواستراتژیک جزایر، هرمز، هنگام، لارک، قشم، ابوموسی و تنب بزرگ "خط دفاعی قوسی" را در تنگه هرمز تشکیل می دهند. اگر چه گفته می شود فاصله 150 کیلومتری ابوموسی تا تنگه هرمز فاقد نقش استراتژیک برای کنترل این تنگه می باشد، اما از آن جا که این جزایر در خط دفاعی قوسی قرار می گیرد، تنگه هرمز برای حفظ امنیت آبراه، دارای اهمیت است؛

در حالی که برای امارات متحده چین ارزش و نقشی را ندارد. علاوه بر آن جزیره ابوموسی، غربی ترین جزیره از جزایر شش گانه و جنوبی ترین نقطه خط دفاعی ایران را تشکیل می دهد؛ ضمن آن که جزایر جنوب ایران - حتی جزایر کم وسعت - به عنوان سکوهایی دیده بانی و کنترل مطمئن برای سواحل خلیج فارس محسوب می شود و به طور بالقوه مکان های مهمی برای استقرار تجهیزات نظامی چه از سوی ایران و چه علیه ایران می باشند.

*قانونی برای تعیین مرزهای دریایی

مرز میان دو کشور مجاور معمولاً با ترسیم خط منصف تعیین می شود. اگر خط ساحل بین دو کشور مستقیم و بدون بریدگی باشد، خطی که عمود بر ساحل است، قلمرو دریایی دو کشور را افراز خواهد کرد ولی در خصوص سواحلی که بریدگی دارند، ترسیم خط منصف پیچیده می شود.

در کنار این در صورت وجود جزیره های کوچک و بزرگ نزدیک ساحل، مسأله تعیین مرز دریایی بین دو کشور مشکل تر میشود، در این حالت، باید ابتدا حق مالکیت بر جزیره ها را توسط دو کشور را تعیین نمود.

گرچه در قوانین بین المللی جزیره های مصنوعی ملاکی برای تعیین مرز محسوب نمی شوند، اما به طور حتم قضیه در مورد پیشروی ساحل فرق می کند، در حقیقت با پیش روی ساحل یکی از دو کشور توانایی چانه زنی امارات برای تعیین مرزها افزایش می یابد.

*افزایش بیست برای سواحل امارات با طرح های جزیره سازی

طبق تعاریف سیاسی، "آب های تحت حاکمیت 12 مایل و "آب های تحت صلاحیت 200 مایل از مرز خاکی هر کشور فاصله دارد. بدین ترتیب اگر کشورهای عربی با ساخت جزایر مصنوعی بر بخش خشکی کشور خود اضافه کنند، هیچ بعید نیست که در سال های آینده بیشتر از آنچه حق واقعی خودشان است، طلب کنند.

هرچند که مسئولان وزارت امور خارجه کشور معتقدند که "خط منصف" و مرزهای این کشورهای عربی مان مرزهای قبلی است. با این حال، با اتمام طرح ساخت جزایر، طول سواحل دبی 20 برابر خواهد شد و ظرفیت اسکان یک میلیون نفر را خواهد داشت.

طبق اخبار منتشر شده قطر، عمان و بحرین نیز طرح های مشابهی را برای اجرا مورد بررسی قرار داده اند که در این صورت شاهد افزایش سیطره آنان بر سواحل خلیج فارس خواهیم بود.

*راه های مقابله با اقدام اماراتی ها

از نظر حقوقی هرچند هرکدام از دولت های ساحلی خلیج فارس می توانند در محدوده آب های سرزمینی خود اقدام به ساخت جزایر مصنوعی کنند، اما با توجه به ماده 123 کنوانسیون 1982 سازمان ملل در خصوص حقوق دریاهای، راجع به دریاهای بسته یا نیمه بسته (خلیج فارس یک دریای نیمه بسته به شمار می آید) دولت های ساحلی باید در امور مختلف مربوط به بهره برداری از حقوق و انجام تکالیف خود با یکدیگر همکاری کنند و به همین سبب می توان گفت اقدام هرکدام از دولت های ساحلی برای ایجاد جزایر مصنوعی باید با اطلاع و هماهنگی سایر دولت های ساحلی و با توجه به تمام آثار زیست محیطی آن انجام شود.

*بین المللی موضوع، بهترین راه مقابله با اقدام اماراتی ها

در این زمینه بهترین راه، بین المللی کردن قضیه می باشد و باید هرچه سریع تر در مورد احداث این سه جزیره مصنوعی اقداماتی اعمال شود. در وهله اول باید این قضیه به سازمان ملل متحد ارجاع شود و با ارسال مکرر شکوائیه به دادگاه های بین المللی این کشور تحت فشار قرار گیرد.

- سازمان های مردمی، احزاب و ... نیز به راحتی می توانند با رسانه های کردن این مسئله، جهان و حامیان بین المللی محیط زیست را مطلع نمایند و بدین ترتیب امارات متعدد تحت فشار قرار گیرد و حداقل شاهد این مسئله باشیم که ساخت چنین پروژه هایی از طرف دیگر کشورها صورت نگیرد.

در عین حال کشورهای منطقه نیز می توانند برای جلوگیری از اجرای چنین پروژه ها و ایجاد نوعی اهرم فشار، خود طرح ساخت جزیره مصنوعی را در ابعاد بسیار وسیع اعلام کنند.